

« زن و مطالعات خانواده »

سال دوم - شماره ۸ - تابستان ۱۳۸۹

ص ۶۷-۵۵

رابطه جنسیت و برخی متغیرهای جمعیت شناختی با احساس آنومی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

بهارک باقری زنوز^۱

دکتر محمود علمی^۲

چکیده

آنومی به معنای شرایط بی‌هنجاری می‌باشد که حاصل آن، خلاء اخلاقی، تعلیق قواعد و بی‌قانونی است. آنومی از جمله مسائل اجتماعی ناشی از دوران گذار در هر جامعه است که البته جوان بودن جمعیت کشور ما نیز بر اهمیت آن می‌افزاید. احساس آنومی در این مطالعه بعنوان متغیر وابسته و رابطه آن با برخی متغیرهای مستقل از جمله سن، جنسیت، وضع تأهل و پایگاه اجتماعی - اقتصادی دانشجویان مطالعه شده است. در این تحقیق از نظریه‌های جامعه‌شناسانی مانند دورکیم و مرتون استفاده شده است. روش تحقیق پیمایش، ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه و جامعه آماری دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تبریز و حجم نمونه ۳۸۵ نفر می‌باشد که به صورت تصادفی طبقه‌ای انتخاب شده‌اند. برای آزمون فرضیه‌ها از ضریب همبستگی پیرسون، آزمون t، آزمون تحلیل واریانس، آزمون تعقیبی و LSD به کار رفته است. یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که میزان احساس آنومی در بین دانشجویان مورد بررسی در حد متوسط به بالا است و تفاوت معنی‌داری بین دانشجویان گروه‌های سنی مختلف، دانشجویان دختر و پسر و نیز دانشجویان مجرد و متأهل از نظر میزان احساس آنومی اجتماعی مشاهده نگردید ولی بین دانشجویان متعلق به پایگاه‌های اقتصادی - اجتماعی مختلف از نظر میزان احساس آنومی اجتماعی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. احساس آنومی اجتماعی در بین دانشجویان متعلق به پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالا، بیشتر از پایگاه اجتماعی - اقتصادی متوسط و پایین است.

۱- کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.

۲- استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.

واژگان کلیدی: احساس آنومی اجتماعی، پایگاه اجتماعی- اقتصادی، جنسیت، وضع تأهل، سن، دانشجویان

مقدمه

آنومی یا آشفتگی اجتماعی، یک وضعیت بی‌قاعدگی یا بی‌هنجاری است که در آن افراد قادر نیستند بر اساس یک نظام از قواعد مشترک، ارتباط برقرار کنند و نیازهای خود را ارضا نمایند. واژه آنومی یا آشفتگی اجتماعی، در متون جامعه‌شناسی ابتدا توسط امیل دورکیم و سپس با فاصله زمانی بیش از ۵۰ سال توسط مرتون مطرح گردید. بعد از آن، این مسأله به‌وسیله دانشمندان دیگر دنبال شد و نسبت به شرایط زمانی و مکانی و مسائل مطرح شده در آن شرایط، به‌طور متمایز گسترش یافت. گرچه دورکیم و مرتون، مسأله آنومی را به عنوان یک مسأله کلان اجتماعی مورد توجه قرار داده‌اند، اما تعداد زیادی از دانشمندان - بالاخص امریکایی- به اقتضای مسائل کشورشان، به ابعاد جزئی‌تر این پدیده، یعنی انحرافات یا تبه کاری پرداخته‌اند. ایران جامعه‌ای در حال گذر یا در حال توسعه است. در چنین جامعه‌ای با فروپاشی نظام‌ها و ساختارهای سنتی نظیر اجتماعات عشایری و روستایی و گسترش شهرنشینی، تحرکات جمعیتی و اجتماعی و تشدید تعاملات بین فرهنگ‌ها، اقوام و ملل متفاوت، اغلب مردم به ویژه جوانان در برابر الگوهای محلی، ملی و جهانی متفاوت و بعضاً متعارضی قرار گرفته‌اند. بسیاری از این جوانان با کنده شدن از بنیادهای سنتی و در شرایط ضعف یا نبود ساختارهای نوین مدنی و یا عدم تشخیص الگوهای مناسب، دچار تعارض، سردرگمی و بلا تکلیفی می‌شوند و خود را بین سنت و مدرنیته سرگردان می‌بینند. در چنین شرایطی است که آنومی یا نابسامانی اجتماعی زمینه لازم را برای پیدایش بحران هویت، سرخوردگی‌های روانی، فردگرایی خودخواهانه، جمع‌گرایی خاص‌گرایانه، بی‌تعهدی، فساد اخلاقی، هنجارشکنی و اختلال در نظم و کنترل اجتماعی، تخریب منابع و پایمال شدن منافع ملی، خشونت و احساس عدم امنیت، نارضایتی و برون‌گرایی پدید می‌آورد (عبداللهی، ۱۳۷۵: ۱۵۹). اصولاً انسان موجودی اجتماعی و از هنگام تولد نیازمند انسان‌های دیگر است. روابط اجتماعی انسان‌ها از طریق هنجارها تنظیم می‌شوند. در جوامع کوچک و ابتدایی هنجارها مشخص‌تر و محدودتر بودند و میزان هم‌نوایی بین آن‌ها بیش‌تر بود اما در جوامع مدرن و پیچیده به دلیل وجود تمایز میان گروه‌ها و طبقات و تعلق به گروه‌های مختلف، هنجارها متنوع‌تر شده و میزان پیروی از آنها هم کمتر می‌شود، گوناگونی خرده فرهنگ‌ها در جوامع بزرگ، خود باعث تنوع بیش‌تر هنجارها می‌گردد. در همه جوامع نظم اجتماعی و نظارت اجتماعی به اشکال گوناگون رسمی و غیررسمی دیده می‌شود و در عین حال کسانی هم هستند که هنجارها را نقض می‌کنند. به نظر دورکیم نقض هنجارها و کجرفتاری هرچند در همه جوامع اتفاق می‌افتد شکل مدرن آن خاص جامعه‌ی مدرن با همبستگی ارگانیکی است که عمدتاً در قالب حالت آنومی ظاهر می‌شود. «آنومی به شرایط اجتماعی اطلاق می‌شود که نفوذ نظارت‌کننده‌ی جامعه بر گرایش‌های فردی کارآئی‌اش را از دست می‌دهد و افراد جامعه به حال خود رها می‌شوند (کوزر، ۱۳۶۸: ۱۹۱). از نظر

دورکیم، در جوامع امروز معیارهای سنتی بی آن که با هنجارهای جدیدی جایگزین گردند، تضعیف می‌شوند. علت اصلی شرایط آنومیک در جامعه‌های امروز، از میان رفتن یا تضعیف نظارت‌ها و ضوابط اخلاقی فراهم آمده از سوی مذهب است که در نتیجه پیشرفت اجتماعی اتفاق افتاده است (گیدنز، ۱۳۷۳: ۷۴۴). در مراحل اولیه تکامل، اجتماعات به نظر دورکهایم غالباً تحت انسجام مکانیکی ثبات و قوام دارند در این نوع جوامع حداقل تقسیم کار اجتماعی و تخصص دیده می‌شود و روابط انسانی برپایه اشتراک افراد در ارزش‌های سنتی و بنیادی فامیلی مذهبی استوار است. تدریجاً تقسیم کار اجتماعی توسعه می‌یابد و تخصص‌ها شکل می‌گیرد و نوع روابط انسانی تغییر می‌کند و در نتیجه انسجام اجتماعی براساس همبستگی و وابستگی متقابلی که دورکهایم آن را انسجام اورگانیک می‌نامد، تحقق می‌یابد. دورکهایم معتقد است که غالب جوامع انسانی در تاریخ، از نظر انسجام اجتماعی از نوع مکانیکی بوده و وجدان و روح جمعی در آن‌ها به شدت استقرار و استمرار داشته است. رشد تکنولوژی همراه با صنعتی شدن در برخی از جوامع بشری تدریجاً چهره این جوامع را از نظر ساختاری تغییر داد و تقسیم کار اجتماعی در اثر تخصصی شدن امور، نه تنها لزوم توجه به سیستم ارزشی و هنجاری نو و تجدید فخر در داوری‌ها و ارزش‌های سنتی و روح جمعی را طلب کرد، بلکه منجر به متنوع شدن فعالیت‌های انسانی در اجتماع شد. در نتیجه نظام اجتماعی و اخلاقی جدیدی مبتنی بر منافع و ارزش‌های متعدد و تفکیک شده همراه با نقش‌های مرتبط و در عین حال دارای وابستگی درونی در کارکرد شکل گرفت.

یکی از اهداف عمده دورکهایم این بود که تأثیرات تقسیم کار اجتماعی را بر زندگی طبیعی و جمعی نشان دهد. با این همه علی‌رغم توجه وافر دورکهایم به چگونگی انتقال اجتماعات از حالت انسجام مکانیکی به اورگانیک، وی از چنین تغییری خشنود نیست. به نظر دورکهایم انسجام اورگانیک دارای ضعف درونی و ذاتی عمده‌ای است که همان تزلزل و بی‌ثباتی آن است. چه در وضعیت اورگانیک، جوامع حالتی از زوال و از دست دادن همبستگی، یکپارچگی، اعتماد و پیوندهای عاطفی و احساسی فیما بین اعضای خود را حس می‌کند و نوعی تزلزل در ارکان جامعه مشاهده می‌گردد. دورکهایم علت چنین تزلزل را واضح و بدیهی می‌داند: او معتقد است که انتقال جامعه از حالت انسجام مکانیکی به انسجام اورگانیک سبب می‌شود که جامعه دچار نوعی عدم انتظام و بی‌نظمی گردد و با وسع گرفتن تقسیم کار، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی تدریجاً ناپدید شود و در عوض منافع منفرد و متنوع و تفکیک شده‌ی فردی همراه با احساس پریشانی و گم‌گشتگی متظاهر گردد و زمینه را جهت بروز آسیب‌ها و مشکلات فردی و اجتماعی آماده سازد (محسنی‌تبریزی، ۱۳۷۰: ۵۶). به عقیده دورکهایم حدود خواسته‌های فرد در جامعه تابع هنجارهای خاصی است و از طریق این ضوابط است که شخص می‌تواند تمایلات، خواسته‌ها و خواهش‌های خود را محدود و در حدی معقول و عملی تنظیم کند. در صورتی که هنجارهای جامعه دچار شکستگی و گسستگی (آنومی) شوند و وضع نابسامانی پیش آید، فرد دیگر قادر نیست رابطه‌ای منطقی بین خود و جامعه برقرار کند و در متابعت از قوانین، هدف‌ها و کنش‌های خود را تنظیم نماید. در چنین وضعی است که فرد ضوابطی جهت رفتار خود ندارد و در حالت نابسامانی به سر می‌برد. این نابسامانی در

رفتار و حالات او متجلی می‌شود و احتمال این‌که وی در چنین حالتی دست به رفتاری بزند که از نظر اجتماعی هنجارشکنی و انحراف شناخته شود، زیاد است. در حد نهایی این رفتار ممکن است به صورت خودکشی بروز کند. ثبات اجتماعی به نظر دورکهایم برخاسته از قواعد اخلاقی و نحوه مدیریت صحیح اجتماعی و منوط به چگونگی اعمال کنترل بر اعضای جامعه است. فقدان چنین ضابطه‌ی کنترلی و مدیریت اخلاقی، در بروز بی‌هنجاری اجتماعی در هر دو سطح فردی و اجتماعی و نیز عدم تشکل گروهی و اجتماعی نقش اساسی ایفا می‌کند. دورکهایم دو نوع آنومی را تمیز می‌دهد: یکی در سطح فردی و دیگری در سطح اجتماعی. آنومی در سطح فردی یا آنومیا نوعی احساس فردی از بی‌هنجاری است و نشانگر حالتی فکری که در آن احساسات فرد نسبت به خود وی سنجیده می‌شود. چنین حالتی همراه با اختلالات و نابسامانی‌هایی در سطح فردی، نوعی احساس ناهنجاری، پوچی و بی‌قدرتی را به همراه دارد. آنومی در سطح اجتماعی یا آنومی اجتماعی نشانگر نوعی اختلال و بی‌هنجاری جمعی است که در آن احساسات فرد با توجه به سیستم اجتماعی سنجیده می‌شود. زمانی که توازن اجتماعی وجود ندارد، فرد فاقد وسیله‌ی لازم جهت تنظیم رفتار خود و تطبیق آن با معیارهای اجتماعی مقرر و نیز فاقد احساس حمایت جمعی و پشتیبانی اجتماعی است. در چنین حالتی فرد ممکن است دست به رفتاری نابهنجار زده، در نهایت خود را از عضویت جامعه خلع کند. مرتون نیز آنومی را به وضع اجتماعی اطلاق می‌کند که در آن‌ها هنجارهای اجتماعی فاقد کارایی لازم باشند و تأثیر خود را بر رفتار بخش‌های وسیعی از افراد جامعه از دست بدهند به عبارت دیگر آنومی به فشاری گفته می‌شود که وقتی هنجارهای پذیرفته شده با واقعیت اجتماعی در ستیز قرار گیرند بر رفتار افراد وارد می‌آید (همان: ۱۴۰). این که چه عواملی موجب تضعیف یا ناکارآمد شدن هنجارهای تعمیم‌یافته یعنی آنومی می‌شود از نظر دورکیم پیشرفت اجتماعی هنجارهای سنتی را سست و بی‌بنیاد می‌سازد و در پی آن آنومی رخ می‌دهد از نظر مرتون تأکید نا متوازن بر اهداف و ارزش‌های اجتماعی بدون در نظر گرفتن شرایط و امکانات اجتماعی است که هنجارهای اجتماعی را ناکارآمد می‌سازد و موجبات شرایط آنومیک را فراهم می‌سازد. به نظر دورکیم «پیشرفت اقتصادی برای تنظیم روابط اجتماعی کافی نیست بلکه باید تنظیم‌های اخلاقی و قواعد هنجاری مناسب شکل گیرند تا حقوق و وظایف افراد مشخص شود» (ممتاز، ۱۳۸۵: ۵۲). دورکیم پیامد شرایط آنومیک را در جامعه سست شدن همبستگی اجتماعی و پیوندهای گروهی می‌داند در نتیجه این شرایط بحران اجتماعی و از هم پاشیدگی اجتماعی پیش می‌آید (آرون، ۱۳۶۴: ۳۶۵). وی پیامدهای دیگر این شرایط را دور شدن احساس شادی، نشاط و سعادت و خوشبختی از افراد جامعه، سرگردانی افراد و شیوع تنازع و کشمکش در جامعه می‌داند (بیرو، ۱۳۶۷: ۲۸). تحولات ساختاری که در جمعیت، اقتصاد و الگوهای مصرف و سطح زندگی و تحصیلات اعضای جامعه به وجود می‌آید و تنش‌های فکری و سیاسی که در نسل‌ها و گروه‌های مختلف اجتماعی هر روز به صورتی بروز و ظهور پیدا می‌کند، تعادل جامعه را برهم می‌زند (رفیع‌پور، ۱۳۷۵: ۲۸). به نظر دورکیم زندگی بدون وجود الزام‌های اخلاقی تحمل‌ناپذیر می‌شود و به شکل‌گیری پدیده آنومی می‌انجامد (سلیمی و داوری، ۱۳۸۶: ۳۲۵). در هر جامعه‌ای

وجود آنومی انکارناپذیر است، ولی میزان و نوع آن حائز اهمیت است. با توجه به اینکه در هر جامعه، دانشجویان از جمله قشر آگاه و فعال جامعه محسوب می‌شوند و به عنوان قشر هنجارفرست و مرجع دارای اهمیت هستند، آگاهی از نظرات و احساس آن‌ها در زمینه‌ی وجود آنومی و کم و کیف آن در جامعه، در مقایسه با سایر گروه‌های اجتماعی دارای اهمیت زیادی است. هدف اصلی این تحقیق توصیف و تحلیل احساس آنومی اجتماعی در رابطه با برخی متغیرهای فردی و اجتماعی است. دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز می‌باشد. اهداف جزئی تحقیق عبارتند:

- تعیین احساس آنومی اجتماعی در بین دانشجویان دختر و پسر
- تعیین رابطه میان سن و احساس آنومی اجتماعی در بین دانشجویان
- تعیین احساس آنومی اجتماعی در بین دانشجویان مجرد و متأهل
- تعیین احساس آنومی اجتماعی در بین دانشجویان متعلق به پایگاه‌های اجتماعی اقتصادی مختلف

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

دورکیم کانون توجه خود را تغییر ساخت اجتماعی از حالت انسجام مکانیکی به انسجام اورگانیکی قراردادده و بر این عقیده است که کج رفتاری هرچند در همه جوامع اتفاق می‌افتد، شکل مدرن آن خاص جامعه مدرن با انسجام ارگانیکی است و عمدتاً در قالب حالت آنومی به عنوان یک بیماری مدرن ظاهر می‌شود. یعنی رشد سریع اقتصاد مدرن بدون رشد نیروهای تنظیم کننده آن واقع شده است. در اینجا توسعه اقتصادی برای تنظیم روابط اجتماعی در نظام کار کافی نیست، بلکه باید تنظیم‌های اخلاقی و قواعد هنجاری مناسب نیز شکل گیرند تا حقوق و وظایف افراد مشخص شود. بنابراین موضوع اصلی مورد توجه دورکیم در ارتباط با مسأله کج رفتاری، ساخت جامعه و تأثیر آن بر فرد است.

انسان از دیدگاه دورکیم

دورکیم معتقد است که انسان دو بعد اساسی دارد. از یک طرف به عنوان فرد در کنار نیازهای بیولوژیکی و غرایز خود قرار دارد و از طرف دیگر جامعه او را احاطه کرده است. این دو حالت در تضاد با یکدیگر به سر می‌برند. انسان اگر بخواهد اهداف اخلاقی را دنبال کند ناچار است به غرایز خود لطمه وارد سازد. غرایز انسان تغییرناپذیر هستند در حالی که جامعه مرتباً انسان را محدود می‌سازد. دورکیم معتقد است که شهود و امیال خودخواهانه از ساخت فردی انسان سرچشمه می‌گیرند، اما اعمال عقلانی ما مبتنی بر علل اجتماعی هستند. نیازها و ضرورت‌های اجتماعی با نیازها و ضرورت‌های فردی در تضاد کامل هستند. نفع جمعی و نفع فردی یکسان نیستند. انسان اگر بخواهد پیشرفت کند و تمدن را توسعه دهد، ناچار است در مقابل فشار وجدان جمعی تسلیم شود. البته این اطاعت باعث تکامل و آزادی انسان خواهد شد. پس سرکوب نمودن امیال خودخواهانه برای پیشرفت تمدن اجتماعی ضروری است و سرپیچی از آن، جامعه

را به طرف آنومی یا بی‌هنجاری سوق می‌دهد (کوزر، ۱۳۶۸: ۱۳۶). بنابراین دورکیم انسان را دارای اراده آزاد نمی‌داند، بلکه او را تحت تأثیر رابطه دیالکتیکی خود با جامعه در نظر می‌گرفت.

ساخت جامعه آنومی و کج رفتاری

جامعه سنتی از دیدگاه دورکیم دارای انسجام مکانیکی یا خود به خود بود. یعنی ساختی که متشکل از اجزای کم و بیش هم شکل است. در این ساخت تقسیم کار ساده است، اما یگانگی گروهی قوی است. قانون جوامع سنتی سرکوب گر است که بر مبنای وفاق اجتماعی پدید می‌آید. وجدان جمعی، کار نظارت اجتماعی غیررسمی را عهده‌دار است. حقوق و وظایف افراد معین هستند. دورکیم می‌گوید که افراد در جوامع سنتی قربانی ستم گروهی هستند، یعنی فردیت تحت تسلط روح جمعی قرار دارد و به هیچ وجه امکان رشد نخواهد داشت (گیدنز، ۱۳۷۳؛ کوزر، ۱۳۶۸ و آرون، ۱۳۶۴، جلد دوم). بنابراین در این شکل از انسجام کج رفتاری یعنی نقض هنجار به ندرت اتفاق می‌افتد و با سرکوب شدید از جانب جامعه همراه است. در این حالت قانون نوشته شده وجود ندارد. به محض اینکه قوانین نوشته شوند یعنی لزوم یک راه‌حل قطعی‌تر به وجود می‌آید. دقیقاً زمانی که انسجام مکانیکی تضعیف گردد، یعنی توسعه آنچه دورکیم کارکردهای تخصصی می‌خواند، کارکردها و تخصص‌های جدید در تقسیم کار اورگانیک شکل می‌گیرند. هر یک از افراد حوزه عمل خاص خود را دارند. بنابراین روح جمعی بخشی از وجدان فرد را رها می‌سازد تا تخصص‌ها رشد کنند. در انسجام مکانیکی که نقش‌ها تخصصی نیستند، رابطه‌ای نزدیک میان خصایص ارثی و فردی وجود دارد، اما در انسجام اورگانیک با تقسیم کار تخصصی باید خصایص و استعدادهای ذاتی پرورش یابد.

اما با ضعیف شدن روح جمعی و آزاد شدن فرد از سلطه‌ی آن، زمینه‌های دیگری شکل می‌گیرند که امکان کج رفتاری را پدید می‌آورد. دورکیم معتقد است که اقتدار اخلاق در یک جامعه تا جایی برای مردم قابل قبول است که این اخلاق با شرایط مادی زندگی مطابقت داشته باشد. به عبارت دیگر، اقتدار اخلاقی در صورتی اعتبار خواهد داشت که برای افراد درگیر فعالیت در جامعه، همواره در حال تغییر و تحول، با معنی باشد. حال اگر افراد مجبور به انجام نقش‌هایی گردند که با استعدادهایشان مطابقت نداشته باشد، وضعیت آنومیک پیش می‌آید (دورکیم، ۱۹۶۴: ۳۸۸-۳۸۷). درحالت آنومیک که بیماری جامعه مدرن است، به علت تضعیف هنجارها، زمینه مناسب کج رفتاری فراهم می‌شود. بنابراین دورکیم به تحولات سریع اجتماعی در انسجام اورگانیک توجه دارد، و با تقسیم کار اجباری که در انسجام اورگانیک پدید آمده مخالف است. گسترش تقسیم کار و تضعیف روح جمعی در عین حال که میزانی از آزادی به انسان می‌دهد، اما می‌تواند خطرات دیگری را در پی داشته باشد و آن سلطه خواسته‌های بی‌انتهای فرد است.

منبع اصلی کج رفتاری در انسجام اورگانیک دو بعد دارد؛ اول وضع آنومیک که در اثر تغییر و تحول سریع به وجود می‌آید و حالتی است که اخلاق اجتماعی دچار حالت اغتشاش شده باشد، یعنی ارزش‌های

اخلاقی با شرایط مادی جدید زندگی مطابقت نداشته باشند و روح جمعی نتواند تمایلات بشر را منظم کند. بعد دیگر آن گسترش اهمیت فردگرایی است که در عین حال که می‌تواند باعث پیشرفت اندیشه و خلاقیت گردد، از جانب دیگر هم تأکید زیاد بر فردگرایی می‌تواند باعث شکل‌گیری هنجارهایی گردد که توسعه آرزوهای فردی و محدود نشده را تشویق می‌کنند. در حالت دوم به قول کوزر، در ضمن اینکه فرد از ارزش‌های جمعی پیروی می‌کند، یعنی در جامعه وفاق قوی وجود دارد، فرد مرتکب کج رفتاری می‌شود.

دورکیم معتقد بود که کج رفتاری در جامعه مدرن در ارتباط با تقسیم کار قرار دارد. اگر جامعه‌ای تقسیم کار نرمال داشته باشد، یعنی همه افراد در شرایط مساوی بتوانند استعدادهای خود را پرورش دهند و شغلی متناسب با آن به دست آورند، ارقام کج رفتاری کاهش خواهد یافت و در واقع محدود به نوع کج رو انقلابی خواهد شد که خود عامل اصلی تحول اجتماعی است. جامعه هر چه پیچیده‌تر و متمدن‌تر گردد بیش‌تر از جسم و توانایی‌های مربوط به آن رها شده و متکی به ذهن، اندیشه و خلاقیت خواهد بود (دورکیم، ۱۹۶۴: ۳۲۱-۳۱۹). اما تضاد میان استعدادهای کلی و نقش‌های اجتماعی در شرایط تقسیم کار اجباری باعث ایجاد آنومی شده، به کج رفتاری منتهی می‌شود. پیران در تحقیقی با عنوان «آنومی در تهران» از جوانانی می‌گوید که ۵۶/۵ درصدشان از آنومی شدید، ۲۷/۶ درصد آنومی متوسط و ۱۵/۹ درصد آنومی ضعیف گزارش می‌دهند (پیران، ۱۳۸۴). محمدی و شیانی، در تحقیقی بر روی جوانان، از وجود ۵۴ درصد آنومی زیاد در میان جوانان خبر می‌دهند براساس یافته‌های این تحقیق، بی‌اعتمادی نسبت به دیگران، ناامیدی نسبت به آینده، ناراضایتی از زندگی، احساس تبعیض، ارزیابی منفی از وضعیت کشور، تمایل به اقامت در سایر کشورها، سردرگمی جوانان در انتخاب روش و الگوی زندگی، همه معرف شرایط آنومیک می‌باشند (شیانی و دیگران، ۱۳۸۴). رفیع‌پور در گزارش «آنومی یا آشفتگی اجتماعی در تهران» نشان می‌دهد که آنومی در تهران تحت تأثیر رشد سریع اقتصادی، پیدایش ثروت‌های ناگهانی، شکاف شدید طبقاتی، آرزوهای بی‌حد، از هم پاشیدگی هنجارهای سنتی و عدم امکان ارضای نیازهای نامحدود، موجب تضعیف هنجارهای رسمی شده است (رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ۱۹). با الهام از نظریات امیل دورکیم و هربرت مرتون، در این بررسی فرضیه‌های زیر طرح و به‌طور تجربی آزمون شده‌اند:

- بین سن دانشجویان و احساس آنومی اجتماعی تفاوت وجود دارد.
- بین وضعیت تأهل دانشجویان و احساس آنومی اجتماعی تفاوت وجود دارد.
- بین جنسیت دانشجویان و احساس آنومی اجتماعی تفاوت وجود دارد.
- بین پایگاه اجتماعی- اقتصادی دانشجویان و احساس آنومی اجتماعی تفاوت وجود دارد.

تعریف نظری و عملیاتی متغیرها

آنومی اجتماعی

آنومی اجتماعی حالتی از عدم هنجار بندی و بی‌ریشگی است که در صورت عدم هم خوانی چشمداشت‌های فرهنگی با واقعیت‌های اجتماعی پدید می‌آید (کوئن، ۱۳۸۳: ۱۶۵). برای اندازه‌گیری این سازه نزد پاسخگویان از گویه‌های استاندارد شده لئوسرول استفاده شده است، از جمله این گویه‌ها، ناامیدی نسبت به آینده، بی‌اعتمادی نسبت به افراد جامعه، بی‌اعتمادی نسبت به مسئولان و مجریان امور و بی‌قدرتی می‌باشد که در قالب ۱۲ گویه در پرسش‌نامه سنجیده شده است. پایایی سؤالات این سازه طبق آزمون آلفای کرونباخ ۰/۷۱ به دست آمده است که مقدار قابل قبولی را نشان داده است.

پایگاه اجتماعی - اقتصادی

گروه بندی اجتماعی - اقتصادی افراد در مقیاسی است که تجزیه و تحلیل آماری را می‌پذیرد. اندازه‌گیری این سازه، طبق معیار نام‌باورز با جمع رتبه‌های شغلی، تحصیلی و درآمد خانواده در مقیاس رتبه‌ای محاسبه شده است (میلر، ۱۳۸۴: ۳۹۴).

روش شناسی

روش تحقیق در بررسی حاضر، با توجه به ماهیت تحقیق، روش پیمایش می‌باشد و ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه و بر اساس مقیاس لیکرت است. جامعه آماری شامل دانشجویان دختر و پسر مقطع کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز می‌باشد که تعداد آنها براساس آمار رسمی این واحد، ۲۳۳۲۰ نفر بود. جهت تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد که حدود ۳۸۵ نفر تعیین گردید و شیوه نمونه‌گیری متناسب با ماهیت جامعه آماری، نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای با توجه به حجم نمونه بود و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده گردید. برای توصیف متغیرها از روش‌های آمار توصیفی مانند میانگین، واریانس، انحراف معیار و برای آزمون فرضیه‌ها از ضریب همبستگی پیرسون آزمون مقایسه میانگین‌ها T، آزمون تحلیل واریانس F و آزمون تعقیبی L.S.D استفاده گردید.

یافته‌های توصیفی

الف) براساس اطلاعات به دست آمده از کل جامعه آماری مورد بررسی ۲۱۰ نفر دانشجوی پسر و ۱۷۵ نفر دانشجوی دختر بودند که به ترتیب حدود ۵/۵۴ و ۵/۴۵ درصد را شامل می‌شدند. از نظر وضع تأهل، ۵۸ نفر یا ۲/۱۵ درصد آنان متأهل و ۳۲۷ نفر یعنی ۹/۸۴ مجرد بودند. از نظر وضع سنی، ۲۲۴ نفر یعنی ۲/۵۸ درصد نمونه آماری کمتر از ۲۲ سال، ۱۳۳ نفر یعنی ۵/۳۴ درصد بین ۲۲-۳۰ سال و ۱۵ نفر معادل ۹/۳ درصد بیشتر از ۳۰ سال داشتند. اطلاعات به دست آمده نشان داد که از نظر پایگاه اقتصادی - اجتماعی، ۱۰۷ نفر یعنی ۸/۲۷ درصد نمونه آماری مورد مطالعه متعلق به

رابطه جنسیت و برخی متغیرهای جمعیت شناختی با...

پایگاه اجتماعی- اقتصادی پایین، ۲۵۰ نفر معادل ۶۵ درصد به پایگاه متوسط و ۲۸ نفر یعنی ۷/۲ درصد به پایگاه اجتماعی- اقتصادی بالا متعلق بودند. از نظر توزیع پراکندگی میزان احساس انومی اجتماعی در بین دانشجویان مورد مطالعه، اطلاعات به دست آمده حاکی است که متوسط این متغیر برابر ۵۵/۶ یعنی در سطح متوسط به بالا می باشد. جدول (۱) چگونگی توزیع پراکندگی این متغیر را نشان می دهد:

جدول(۱): توزیع پراکندگی متغیر احساس انومی اجتماعی

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	واریانس	ضریب کمی	مداقل	حداکثر	انحراف چارکها		
								چارک اول	چارک دوم	چارک سوم
احساس انومی	۳۸۵		۱۳/۴	۱۸۱/۱	۱۶/۷	۱۶/۷	۹۵/۸	۴۵/۸	۵۴/۱	۶۴/۵

(ب) آزمون فرضیه‌ها

همبستگی بین میزان احساس انومی اجتماعی و سن دانشجویان

بر اساس اطلاعات جدول (۲) و مطابق با آزمون ضریب همبستگی پیرسون، بین سن پاسخگویان و میزان احساس انومی اجتماعی رابطه وجود ندارد. ضریب همبستگی برابر $-۰/۰۵$ و سطح معنی داری $۰/۳۳$ می باشد.

جدول(۲): آزمون ضریب همبستگی متغیرهای احساس انومی و سن

متغیرها	سن
احساس انومی	$r = -۰/۰۵$ $P = ۰/۳۳$ $N = ۳۷۲$

مقایسه میزان احساس انومی اجتماعی بر اساس جنسیت دانشجویان

متوسط میزان احساس انومی اجتماعی دانشجویان پسر برابر $۵۵/۸۹$ با انحراف معیار $۱۳/۴۴$ و دانشجویان دختر برابر $۵۵/۲۷$ با انحراف معیار $۱۳/۵۰$ می باشد که مطابق آزمون برابری واریانسها (لون) $F = ۰/۲۴$ با سطح معنی داری $P = ۰/۶۲$ محاسبه گردیده که نشان می دهد واریانس احساس انومی اجتماعی در بین دانشجویان پسر و دختر یکسان است. با استفاده از آزمون t با واریانس برابر، مقدار $۰/۴۴۹$ و سطح

معنی‌داری آزمون $P = 0/654$ به‌دست آمد که نشان می‌دهد تفاوتی میان دانشجویان دختر و پسر از نظر میزان احساس انومی اجتماعی وجود ندارد.

جدول (۳): مقایسه میزان احساس انومی اجتماعی در بین دانشجویان براساس جنسیت دانشجویان

جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	اشتباه معیار میانگین
پسر	۲۱۰	۵۵/۸۹	۱۳/۴۴	۰/۹۲۷
دختر	۱۷۵	۵۵/۲۷	۱۳/۵۰	۱/۰۲

مقایسه میزان احساس انومی اجتماعی براساس جنسیت	آزمون لون تست برای برابری واریانسها		آزمون تی-تست برای مقایسه میانگینها	
	F	سطح معنی‌داری	t	درجه آزادی
با فرض برابری واریانس	۰/۲۴۲	۰/۶۲۳	۰/۴۴۹	۳۸۳

مقایسه میزان احساس انومی اجتماعی براساس وضع تأهل دانشجویان

براساس اطلاعات جدول (۴) ملاحظه می‌شود که متوسط میزان احساس انومی اجتماعی در بین دانشجویان متأهل $56/50$ با انحراف معیار $13/43$ و در بین دانشجویان مجرد $55/45$ با انحراف معیار $13/47$ می‌باشد که بر طبق آزمون برابری واریانسها $F = 0/09$ با سطح معنی‌داری $P = 0/76$ محاسبه گردیده و نشان می‌دهد که واریانس احساس انومی اجتماعی در بین دانشجویان متأهل و مجرد یکسان است و تفاوتی با هم ندارد. با استفاده از t واریانس برابر مقدار t برابر $0/54$ با سطح معنی‌داری $P = 0/58$ به‌دست آمده که نشان می‌دهد احساس انومی اجتماعی براساس وضع تأهل دانشجویان معنی‌دار نیست.

جدول (۴): مقایسه میان احساس انومی اجتماعی براساس وضع تأهل دانشجویان

وضع تأهل	تعداد	میانگین	انحراف معیار	اشتباه معیار میانگین
متأهل	۵۸	۵۶/۵۰	۱۳/۴۳	۱/۷۶
مجرد	۳۲۷	۵۵/۴۵	۱۳/۴۷	۰/۷۴۵

مقایسه میزان احساس انومی اجتماعی براساس وضع تأهل	آزمون لون تست برای برابری واریانسها		آزمون تی-تست برای مقایسه میانگینها	
	F	سطح معنی‌داری	t	درجه آزادی
با فرض برابری واریانس	۰/۰۹	۰/۷۶۵	۰/۵۴۶	۳۸۳

مقایسه میزان احساس انومی اجتماعی در بین دانشجویان براساس پایگاه اجتماعی- اقتصادی آنان

متوسط احساس انومی اجتماعی در بین دانشجویان پایگاه اجتماعی- اقتصادی پایین، برابر ۵۳/۱۵ با انحراف معیار ۱۳/۲۵، در پایگاه اجتماعی- اقتصادی متوسط، برابر ۵۶/۲۴ با انحراف معیار ۱۳/۲۵ و در دانشجویان دارای پایگاه اجتماعی اقتصادی بالا، برابر ۵۹/۳۷ با انحراف معیار ۱۴/۶۲ می‌باشد که بر طبق آزمون تحلیل واریانس یک طرفه مقدار $F=3/18$ با سطح معنی‌داری $P=0/04$ محاسبه گردیده و نشان می‌دهد که میزان احساس انومی در بین دانشجویان براساس پایگاه اقتصادی- اجتماعی معنی‌دار بوده، بگونه‌ای که در بین دانشجویان متعلق به پایگاه اجتماعی- اقتصادی بالا این میزان بیشتر از دو گروه دیگر می‌باشد. مطابق آزمون تعقیبی LSD دانشجویان دارای پایگاه اجتماعی- اقتصادی پایین با دانشجویان دو گروه دیگر اختلاف معنی‌دار دارند.

جدول (۵): مقایسه میان احساس انومی اجتماعی براساس پایگاه اجتماعی- اقتصادی

پایگاه اجتماعی- اقتصادی	تعداد	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
بالا	۲۸	۵۹/۳۷	۱۴/۹۲	۳۵/۴۲	۸۵/۴۲
متوسط	۲۵۰	۵۶/۲۴	۱۳/۲۵	۲۰/۸۳	۹۵/۸۳
پایین	۱۰۷	۵۳/۱۵	۱۳/۲۵	۱۶/۶۷	۹۱/۶۷
کل	۳۸۲	۵۵/۶۱	۱۳/۴۵	۱۶/۶۷	۹۵/۸۳

مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F مقدار	سطح معنی‌دار
۱۱۴۱/۹۶	۲	۵۷۰/۹۸	۳/۸۹	۰/۰۴۲
۶۸۴۰۵/۹۲	۳۸۲	۱۷۹/۰۷		
۶۹۵۴۷/۸۹	۳۸۴			

(I)(J)	فاصله اطمینان ۹۵ درصد		سطح معنی‌داری	استباه معیار	میانگین اختلاف (I-J)	
	بیشتر	کمتر				
متوسط پایین	-۰/۰۴۷	-۶/۱۲	۰/۰۴۷	۱/۵۴	-۳/۰۸	
پایین بالا	-۰/۰۶۳	-۱۱/۸۰	۰/۰۲۹	۲/۸۴	-۶/۲۲	
پایین متوسط	۶/۱۲	۰/۰۴۷	۰/۰۴۷	۱/۵۴	۳/۰۸	
بالا متوسط	۲/۱۱	-۸/۳۷	۰/۲۴۱	۲/۶۶	-۳/۱۳	
پایین بالا	۱۱/۸۰	۰/۶۳	۰/۰۲۹	۲/۸۴	۶/۲۲	
متوسط متوسط	۸/۳۷	-۲/۱۱	۰/۲۴۱	۲/۶۶	۳/۱۳	

*اختلاف میانگین با سطح معنی‌داری ۵ درصد

نتیجه گیری و بحث

بررسی حاضر در بین نمونه‌ای معرف از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز انجام گرفت. هدف اصلی این مطالعه، توصیف و شناخت دیدگاه دانشجویان در مورد احساس انومی اجتماعی در جامعه بود همان گونه که بیان گردید از نظر دانشجویان مورد مطالعه، متوسط احساس انومی اجتماعی در جامعه برابر ۵۵/۶ می‌باشد که یک نسبت متوسط به بالا را نشان می‌دهد. بر اساس آزمون فرضها ملاحظه گردید که بین احساس انومی اجتماعی و متغیرهای سن، جنس و وضع تأهل رابطه و تفاوت معنی داری به دست نیامد. شاید به این دلیل که گروه‌های سنی مورد مطالعه بنا بر اقتضای نمونه از تنوع کافی برخوردار نبوده و در حقیقت در یک دوره سنی محدود قرار داشتند و از طرفی دختران و پسران اعم از مجرد و متأهل، نگاهشان به وضع جامعه، نگاه یکسانی بوده است یعنی از یک وجدان جمعی نسبتا واحدی برخوردار بوده‌اند و احساس و درک یکسانی از وضع موجود جامعه را منعکس نمودند. اما در فرضیه دیگری که آزمون شد به بررسی تفاوت بین احساس انومی اجتماعی و پایگاه اجتماعی - اقتصادی دانشجویان مربوط می‌شد. نتایج به دست آمده نشان داد که در بین پایگاه‌های اجتماعی - اقتصادی متفاوت، دانشجویان متعلق به پایگاه اجتماعی - اقتصادی بالا، از میانگین احساسی انومی اجتماعی بالایی نسبت به دانشجویان پایگاه‌های دیگر برخوردار بودند. شاید به این دلیل که افراد متعلق به پایگاه اجتماعی - اقتصادی بالا گرچه از سطح تحصیلات و درآمد بالایی برخوردارند، ولی پایبندی مذهبی کمتری دارند زیرا با افزایش تحصیلات، قدرت تفکر افراد در بررسی روابط کلی منطقی تر می‌شود و در نتیجه توجهات معمولی مذهب برای آن‌ها سطحی و ابتدایی به نظر می‌رسد و نوعی بیگانگی اجتماعی در آن‌ها به وجود می‌آید که وحدت ارزشی و هویت ملی را نیز کاهش می‌دهد، بی‌اعتمادی را رواج می‌دهد و نارضایتی عمومی از جامعه و مدیران جامعه را بیش تر کرده، سطح توقعات را نیز بالا می‌برد. همه این عوامل به فزونی احساس انومی اجتماعی دامن می‌زند. چنین نتیجه‌ای در مطالعه رفیع پور (۱۳۷۸) نیز به تأیید رسیده بود.

منابع

- آرون، ریمون. (۱۳۶۴). *مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه: باقر پرهام، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- بیرو، آلن. (۱۳۶۷). *فرهنگ علوم اجتماعی*. ترجمه باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان.
- پیران، پرویز. (۱۳۸۴). *آنومی در تهران*، خانه هنرمندان، تهران: سخنرانی.
- سلیمی، علی و داوری، محمد. (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی کجروی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شیانی، ملیحه و محمدی، محمد. (۱۳۸۴). *تحلیل جامعه‌شناسی احساس آنومی اقتصادی در میان جوانان*. فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۵.
- عبداللهی، محمد. (۱۳۷۵). *جامعه‌شناسی بحران هویت*. نامه پژوهش، سال دوم، پاییز و زمستان، شماره ۳۰۲، ۱۶۳-۱۲۵.
- رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۷۵). *وسائل ارتباط جمعی و تغییر ارزش‌ها*. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۷۸). *آنومی یا آشفتگی اجتماعی در تهران*. انتشارات سروش.
- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۷۰). *بیگانگی*. نامه علوم اجتماعی. دوره‌ی جدید، جلد دوم، شماره ۲، تابستان، ۷۰-۲۵.
- ممتاز، فریده. (۱۳۸۵). *انحرافات اجتماعی*. تهران، شرکت سهامی انتشار.
- میلر، دلبرت. (۱۳۸۴). *راهنمای سنجش و تحقیقات اجتماعی*. ترجمه: هوشنگ نائی، تهران: نشر نی.
- کوزر، لوئیس. (۱۳۶۸). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- کوئن، بروس. (۱۳۸۴). *درآمدی بر جامعه‌شناسی*، ترجمه: غلام‌عباس توسلی و رضا فاضل، انتشارات فرهنگ معاصر.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۳). *جامعه‌شناسی*، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.